

بسم الله و بذكر صاحبنا مهدي عج الله تعالى فرجه

می خوام گفتگوم رو با یه خاطره بازی شروع کنم. با همون خاطره ها که میگن نوستالژی داره و یه جور دیگه حال آدم و خوب میکنه. آدمو میکنه و میبره تو خاطرات شیرین قدیمی.

یاد کردن از نوستالژی ها مثل یه سفر میمونه

الان میخوام خودتون سفر کنید و به اون خاطره قدیمی برسید. برا همین من چند جمله میخونم شما بگید این جملات شما رو یاد چه خاطره ای میندازه ؟!

(این قسمت رو می تونید از رو بخوانید)

من عاشق دانشکده هستم و بیش از همه عاشق شما که مرا به دانشکده فرستادید، آنقدر خوشحالم که از شدت هیجان خوابم نمی برد. شما نمی دانید اینجا با پرورشگاه «ژان گریر» چقدر فرق دارد. دلم برای دخترانی که نمی توانند به این دانشکده بیایند می سوزد ...

احساس می کنم خانواده ای پیدا کرده ام... حالا نمی دانم شما را چه خطاب کنم، چون هیچ اطلاعی از شما ندارم. ولی آنچه مسلم است شما پاهای درازی دارید و من تصمیم گرفته ام، شما را بابالنگ دراز خطاب کنم، امیدوارم به شما برنخورد، این شوخی بین ما دو نفر خواهد بود و به مادام لیپت هم نخواهیم گفت ...»

درسته جودی ابوت کارتون محبوبی که کوچک و بزرگ دوش داشتیم

به نظر شما چه چیزی توی کارتون جودی ابوت جذاب بود که هنوز تو ذهنمون مونده ؟؟؟

وجود یک حامی و سرپرست برای یک دختر تنها ی یتیم

وجود یک حامی که دائما براش نامه مینوشت و با این که نمی دیدش با تمام وجود دوش داشت.

جودی فقط از اون یک سایه دیده بود اما به وجودش و اثرات وجودیش ایمان داشت.

حامی یعنی حمایت کننده، کسی که از تو نگهداری می کنه. از موقعیت، از مقام، از باورت، از حال دلت و... خلاصه حواش بهت هست تا بتونی پیشرفت کنی و جلو بری.

در طول تاریخ خیلی ها بودند و هستند که با عشق و مهر و محبتشون و با حامی شدنشون زندگی بقیه رو تغییر دادند.

مثلا معلم هلن کلر که با همین حمایت و عشقش از یک کودک کر و کور و لال یک سخنران و نویسنده ساخت

خود هلن کلر بعدها می نویسد، که زندگی واقعی او در یک روز از ماه مارس سال ۱۸۸۷ وقتی که تقریباً ۷ ساله بود، با ورود معلمش به زندگی او آغاز شد. او از این روز به عنوان مهم ترین روزی که در زندگی به خاطر دارد، یاد می کند. سالیوان معلمی حامی با عشق و فوق العاده بود که تا پایان عمر خود، در کنار هلن ماند.

از این حامی ها تو دنیا کم نبودند و نیستند. مثلا افرادی که حامی بچه های بی سرپرست میشوند.

مادری که همه جوره ی از بچه هاش حمایت می کنه.

یا پدری که حامی فرزندش میشه برای تحصیل یا رسیدن به یک شغل و حرفه و...

خدا نیز که حامی اصلی همه ما آدمها هستش، به مدلهای مختلف ما رو سفارش می کند تا حامی همدیگر باشیم. تا جایی که میگه اصل نیکی و خوبی رو کسی داره که کارهای حمایتگری رو انجام میده. (۱۷۷_بقره)

خیلی ارزشمند و مهمه که من بتونم حامی فرد دیگر یا افراد دیگر بشم. و بسیار خاص و شگفت انگیزه که بتونم حتی در سخت ترین شرایط، مثلاً زمانی که هیچ کس نیست که کمکی بهم بکنه، باز یک حامی تمام عیار و خوب باقی بمونم.

در یکی از زیارت نامه ها (زیارت ناحیه مقدسه) خطاب به امام حسین علیه السلام اینگونه سلام میدیم: اَلسَّلَامُ عَلَی الْمُحَامِی بِلَا مُعِین

سلام بر حامی که هر کس در مسیرش قرار میگرفت اون رو حمایت میکرد ولی خودش در آخر یآوری نداشت

حمایتگری که هر جور و هر شکلی که باشی، هر خوبی و بدی کرده باشی بازم آغوشش برات بازه. حتی اگر حُر باشی و جان خودش و زن و بچش رو تو خطر انداخته باشی، ذره ای نمیزاره خجالت بکشی.

نقش حمایت گری امام حسین علیه السلام در سخت ترین لحظات با افراد مختلف در بین خانواده، دوستان و یاران و حتی دشمنان به خوبی دیده میشه.

در تاریخ که نگاه می کنیم هر فردی که به هر علتی به امام حسین و یا پدرشون و یا فرزندانسون مراجعه کردند همیشه به نحوی تحت حمایت اونها قرار گرفتند.

امام کاظم علیه السلام به علی بن یقطین که از پیروان و یاران امام بوده و در دربار هارون الرشید کار می کرده بسیار سفارش می کردند و اصلاً، ابن یقطین را مامور کرده بودند تا حامی شیعیان در دربار حکومتی باشد.

امام زمان ما، حضرت مهدی علیه السلام می گویند که در رعایت حال ما کوتاهی نمی کنند. یعنی مثل پدرشون امام حسین علیه السلام برای تک تک ما حامی هستند.

و این منم که مثل داستان جودی ابوت که مرتب برای باباش نامه می نوشت.

هر روز، حواسم بهشون باشه و باهاشون حرف بزنم. از روزمرگی هام، از دغدغه هام، از احساسات با امام زمان حرف بزنم. یه جورایی با این به یاد بودن و مراجعه دائمی خودم رو دائماً در کشتی نجات و چتر حمایت ایشون قرار بدم. و ازشون بخوام بهم یاد بدن و کمکم کنن که این صفت در من هم رشد کنه. تا حداقل آدم های دورم روی بودن من، روی حمایت من حساب کنند.